

# مدل‌یابی رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی بر اساس کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

رحیم بدری گرگری<sup>۱\*</sup>، شهروز نعمتی<sup>۱</sup>، شهرام واحدی<sup>۱</sup>، عرفان جاسم احمد<sup>۲</sup>

۱. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

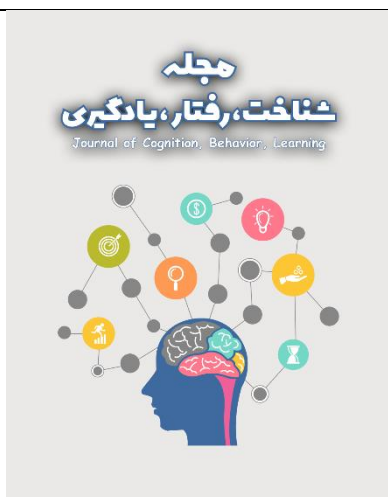
\* ایمیل نویسنده مسئول: badri\_rahim@yahoo.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۶/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳



شیوه‌نامه استاندارد: بدری گرگری، رحیم، نعمتی، شهروز، واحدی، شهرام، و جاسم احمد، عرفان. (۱۴۰۶). مدل‌یابی رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی بر اساس کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی. شناخت، رفتار، یادگیری، ۲۱(۲)، ۱-۱۰.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی بر اساس کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان نوجوان عراقی مقطع متوسطه دوره دوم استان صلاح‌الدین در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که از میان آنان ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه رفتارهای پرخطر نوجوانان (YRBS)، پرسشنامه کارکرد خانواده (FAD)، پرسشنامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده (RFCP)، پرسشنامه تعارض والد-نوجوان (CBQ) و مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی (BPNS) گردآوری و با ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. تمامی مسیرهای مستقیم مدل از نظر آماری معنادار بودند. اثر مستقیم کارکرد خانواده ( $\beta = 0.343$ )، جهت‌گیری گفت‌ووشنود ( $\beta = -0.256$ )، جهت‌گیری همنوایی ( $\beta = 0.267$ )، رفتار تعارض‌آمیز ( $\beta = 0.332$ ) و نیازهای بنیادین روان‌شناختی ( $\beta = -0.498$ ) بر رفتارهای پرخطر معنادار بود. همچنین، اثر کارکرد خانواده ( $\beta = -0.394$ )، گفت‌ووشنود ( $\beta = 0.374$ )، همنوایی ( $\beta = -0.286$ ) و رفتار تعارض‌آمیز ( $\beta = -0.397$ ) بر نیازهای بنیادین معنادار بود. اثرات غیرمستقیم گفت‌ووشنود ( $-0.185$ )، همنوایی ( $0.145$ ) و رفتار تعارض‌آمیز ( $0.200$ ) بر رفتارهای پرخطر، نقش میانجی نیازهای بنیادین را تأیید کرد. مدل ۵۰٫۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر و ۳۳٫۱ درصد از واریانس نیازهای بنیادین را تبیین کرد و شاخص‌های برازش  $CFI = 0.95$ ،  $TLI = 0.92$ ،  $FI = 0.97$ ،  $RFI = 0.97$  و  $NFI = 0.96$  برازش مطلوب مدل را نشان دادند. نیازهای بنیادین روان‌شناختی سازوکار میانجی مهمی در ارتباط میان عوامل خانوادگی و رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی است؛ بنابراین، مداخلات پیشگیرانه می‌توانند با تمرکز هم‌زمان بر بهبود تعاملات و الگوهای ارتباطی خانواده، کاهش تعارض والد-نوجوان و تقویت ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، در کاهش رفتارهای پرخطر مؤثر باشند.

**کلیدواژه‌گان:** رفتارهای پرخطر، نوجوانان عراقی، کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده، تعارض والد-نوجوان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی.

# Cognition, Behavior, Learning

## Modeling Risky Behaviors Among Iraqi Adolescents Based on Family Functioning, Family Communication Patterns, and Parent–Adolescent Conflict: The Mediating Role of Basic Psychological Needs

Rahim Badri Gargari<sup>1\*</sup>, Shahrooz Nemati<sup>1</sup>, Shahram Vahedi<sup>1</sup>, Erfan Jasem Ahmd<sup>2</sup>

1. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. PhD Student in Educational Psychology, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

\*Corresponding Author's Email: badri\_rahim@yahoo.com

Submit Date: 2026-05-03

Revise Date: 2026-08-14

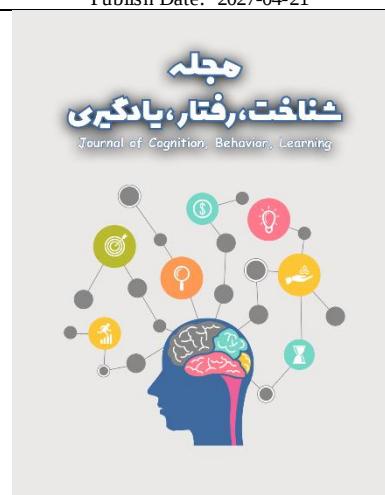
Accept Date: 2026-09-02

Publish Date: 2027-04-21

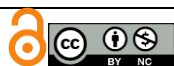
### Abstract

This study aimed to model risky behaviors among Iraqi adolescents based on family functioning, family communication patterns, and parent–adolescent conflict, with particular emphasis on the mediating role of basic psychological needs. This applied study employed a descriptive-correlational design using structural equation modeling (SEM). The statistical population comprised all Iraqi upper-secondary school students in Salah al-Din Province during the 2025–2026 academic year. A sample of 300 adolescents was selected using multistage cluster random sampling. Data were collected using the Youth Risk Behavior Survey (YRBS), Family Assessment Device (FAD), Revised Family Communication Patterns Questionnaire (RFCP), Conflict Behavior Questionnaire (CBQ), and Basic Psychological Needs Scale (BPNS). Pearson correlation analysis and structural equation modeling were used to analyze the data. All direct paths in the structural model were statistically significant. Family functioning ( $\beta=0.343$ ), conversation orientation ( $\beta=-0.256$ ), conformity orientation ( $\beta=0.267$ ), conflict behavior ( $\beta=0.332$ ), and basic psychological needs ( $\beta=-0.498$ ) had significant direct effects on risky behaviors. Family functioning ( $\beta=-0.394$ ), conversation orientation ( $\beta=0.374$ ), conformity orientation ( $\beta=-0.286$ ), and conflict behavior ( $\beta=-0.397$ ) also significantly predicted basic psychological needs. The indirect effects of conversation orientation ( $-0.185$ ), conformity orientation ( $0.145$ ), and conflict behavior ( $0.200$ ) on risky behaviors supported the mediating role of basic psychological needs. The model explained 50.3% of the variance in risky behaviors and 33.1% of the variance in basic psychological needs. Fit indices indicated satisfactory model fit ( $CFI=0.95$ ,  $TLI=0.92$ ,  $IFI=0.97$ ,  $RFI=0.97$ ,  $NFI=0.96$ ). Basic psychological needs constitute an important mediating mechanism linking family-related factors to risky behaviors among Iraqi adolescents. Accordingly, preventive interventions may be strengthened by simultaneously improving family interactions and communication patterns, reducing parent–adolescent conflict, and promoting the satisfaction of adolescents' basic psychological needs.

**Keywords:** Risky behaviors, Iraqi adolescents, family functioning, family communication patterns, parent–adolescent conflict, basic psychological needs.



**How to cite:** Badri Gargari, R., Nemati, Sh., Vahedi, Sh., Jasem Ahmd, E. (2027). Modeling Risky Behaviors Among Iraqi Adolescents Based on Family Functioning, Family Communication Patterns, and Parent–Adolescent Conflict: The Mediating Role of Basic Psychological Needs. *Cognition, Behavior, Learning*, 4(2), 1-21.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

## مقدمه

نوجوانی یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین دوره‌های تحول انسان است که در آن تغییرات سریع زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی با فرایندهایی مانند هویت‌یابی، استقلال‌طلبی، گسترش روابط همسالان و بازتعریف رابطه با خانواده هم‌زمان می‌شود. این تحولات، در کنار فرصت‌هایی که برای رشد و شکل‌گیری هویت فراهم می‌کنند، می‌توانند نوجوان را در برابر تصمیم‌گیری‌های تکانشی، جست‌وجوی هیجان و انواع رفتارهای پرخطر آسیب‌پذیر سازند. رفتارهای پرخطر طیفی از رفتارهایی را در بر می‌گیرند که می‌توانند سلامت جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی نوجوان را تهدید کنند و پیامدهایی نظیر افت عملکرد تحصیلی، مشکلات بین‌فردی، مصرف مواد، خشونت، رفتارهای جنسی پرخطر، قانون‌گریزی و سایر اشکال ناسازگاری را به همراه داشته باشند. شواهد جدید نشان می‌دهد که گرایش به چنین رفتارهایی را نمی‌توان صرفاً بر پایه ویژگی‌های فردی یا انتخاب‌های شخصی نوجوان تبیین کرد؛ بلکه این رفتارها در بستری چندعاملی شکل می‌گیرند که عوامل خانوادگی، روابط اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، تنظیم هیجان و کیفیت ارضای نیازهای روان‌شناختی در آن نقش دارند (Enayati et al., 2025; Motavalli et al., 2025; Singh, 2024).

در میان عوامل محیطی مرتبط با رفتارهای پرخطر نوجوانان، خانواده از جایگاهی بنیادی برخوردار است. خانواده نخستین نظام اجتماعی است که در آن کودک و نوجوان الگوهای تنظیم هیجان، شیوه‌های حل تعارض، قواعد رفتاری، احساس تعلق و نحوه برقراری ارتباط با دیگران را می‌آموزد. بنابراین، کیفیت عملکرد خانواده می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظتی یا برعکس، یک عامل آسیب‌زا در مسیر تحول نوجوان عمل کند. یافته‌های کلاسیک درباره انسجام خانواده نشان داده‌اند که کیفیت پیوندهای عاطفی و میزان انسجام خانوادگی با سطح رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط دارد و ضعف در انسجام خانواده می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری بیشتری را فراهم سازد (Lackey & Bursik, 2006). مطالعات جدیدتر نیز همچنان بر نقش خانواده در کاهش یا تشدید رفتارهای پرخطر کودکان و نوجوانان تأکید کرده و نشان داده‌اند که حمایت، نظارت، انسجام و روابط سالم خانوادگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشگیرانه در این زمینه محسوب می‌شوند (Salek Foroutan & Mikaeili, 2024; Yousefi, 2025).

کارکرد خانواده مفهومی گسترده‌تر از صرف وجود یا انسجام خانواده است و به چگونگی سازمان‌یافتگی روابط، حل مسئله، ایفای نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، کنترل رفتار و تعامل میان اعضای خانواده اشاره دارد. خانواده‌ای که بتواند نیازهای اعضا را به شیوه‌ای منظم، انعطاف‌پذیر و حمایت‌گرا پاسخ دهد، معمولاً محیط امن‌تری برای رشد نوجوان فراهم می‌آورد. در مقابل، ناکارآمدی خانوادگی می‌تواند با تنش مزمن، آشفتگی هیجانی، ضعف نظارت و کاهش احساس حمایت همراه باشد و زمینه گرایش نوجوان به رفتارهای ناسازگارانه را تقویت کند. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که عملکرد خانواده حتی در حضور فشار همسالان می‌تواند نقش تعدیل‌کننده داشته باشد و شدت اثر فشار همسالان بر خطرپذیری نوجوان را کاهش یا افزایش دهد (Junaid et al., 2025). همچنین، شواهدی وجود دارد که کارکرد نامطلوب خانواده با رفتارهای خطرآفرین و آسیب‌زای شدیدتر همراه است و ضعف روابط و عملکرد خانوادگی می‌تواند در شکل‌گیری یا تداوم رفتارهای مسئله‌ساز نقش داشته باشد (Aroj et al., 2025).

نقش خانواده تنها به ساختار و عملکرد کلی آن محدود نمی‌شود، بلکه نحوه ارتباط اعضای خانواده نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. الگوهای ارتباطی خانواده تعیین می‌کنند که تا چه اندازه نوجوان می‌تواند افکار، احساسات، نگرانی‌ها و نیازهای خود را در محیط خانواده بیان کند و چه میزان در تصمیم‌گیری‌ها، گفت‌وگوها و تعاملات خانوادگی مشارکت داشته باشد. الگوهای ارتباطی باز، مبتنی بر گفت‌و شنود و حمایت‌گر می‌توانند به احساس امنیت، خودبیانگری و تنظیم بهتر هیجان کمک کنند؛ در مقابل، الگوهای بسته، تحکم‌آمیز یا مبتنی بر اطاعت افراطی ممکن است امکان حل‌سازنده مسائل و بیان نیازهای نوجوان را محدود سازند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که الگوهای ارتباطی خانواده با رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط معنادار دارند و این رابطه می‌تواند از طریق ویژگی‌های فردی یا هیجانی نیز تبیین شود (Abbasi-Rad et al., 2024; Sarvari et al., 2023).

اهمیت الگوهای ارتباطی خانواده در عصر دیجیتال ابعاد جدیدی نیز یافته است. امروزه بخشی از رفتارهای پرخطر نوجوانان در فضای آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های دیجیتال رخ می‌دهد و کیفیت ارتباط والدین با نوجوان می‌تواند بر نحوه مواجهه او با این خطرها تأثیر بگذارد. شواهد نشان می‌دهد که ادراک نوجوانان از سبک‌های ارتباطی خانواده با رفتارهای پرخطر آنان در رسانه‌های اجتماعی مرتبط است و ارتباطات ضعیف، محدودکننده یا غیرحمایتی می‌تواند احتمال انتخاب‌های پرمخاطره در فضای دیجیتال را افزایش دهد (Abebayehu, 2025). به همین ترتیب، مطالعات مربوط به نوجوانان در معرض خطر اعتیاد اینترنتی نشان داده‌اند که کارکرد خانواده با رفتارهای انحرافی و ناسازگارانه آنان ارتباط دارد و اختلال در عملکرد خانوادگی می‌تواند در کنار سایر عوامل، آسیب‌پذیری رفتاری نوجوان را افزایش دهد (Zhang et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت خانواده در اشکال سنتی و جدید رفتارهای پرخطر همچنان یکی از عوامل تبیینی مهم باقی مانده است.

در کنار کارکرد و الگوهای ارتباطی خانواده، تعارض والد-نوجوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روابط خانوادگی در دوره نوجوانی است. با افزایش نیاز نوجوان به استقلال و خودمختاری، اختلاف نظر میان والدین و نوجوان درباره قوانین، روابط اجتماعی، انتخاب‌های شخصی و شیوه زندگی تا حدی طبیعی است؛ با این حال، هنگامی که این اختلاف‌ها شدید، مزمن و حل‌نشده باشند، می‌توانند به تضعیف پیوند عاطفی، کاهش امنیت روان‌شناختی و افزایش احساس طردشدگی یا محدودشدگی منجر شوند. مطالعات کیفی درباره نوجوانان دارای رفتارهای پرخطر نیز نشان داده‌اند که کیفیت رابطه والد-فرزند، نحوه مواجهه والدین با نیازهای نوجوان و ویژگی‌های ارتباطی این رابطه از عناصر برجسته در تجربه نوجوانان دارای رفتارهای پرخطر است (Shariatmadar et al., 2025). از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که الگوهای تعامل والدین می‌توانند همراه با سایر ویژگی‌های روان‌شناختی، میزان گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند (Motavalli et al., 2025). روابط والد-فرزند، افزون بر ارتباط مستقیم با رفتارهای خطرپذیر، می‌تواند از طریق منابع روان‌شناختی و اجتماعی نیز بر رفتار نوجوان اثر بگذارد. یافته‌ها نشان داده‌اند که کیفیت رابطه والد-فرزند با انواع متفاوتی از خطرپذیری نوجوان ارتباط دارد و حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سرمایه روان‌شناختی می‌تواند در این ارتباط نقش واسطه‌ای داشته باشند (Li & Ma, 2025). همچنین، شرایطی نظیر غیبت والدین ممکن است نظارت، حمایت هیجانی و دسترسی نوجوان به منابع خانوادگی را کاهش دهد و با افزایش برخی رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت همراه شود (Wang et al., 2026). در شرایطی مانند طلاق والدین نیز نوجوان ممکن است با تغییرات گسترده در ساختار زندگی، منابع حمایت و تنظیم روابط خانوادگی مواجه شود و این وضعیت می‌تواند با آسیب‌های رفتاری-کارکردی و افزایش زمینه رفتارهای پرخطر همراه باشد (Majnounpour & Javadi, 2024). در نتیجه، کیفیت روابط خانوادگی باید نه صرفاً به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای، بلکه به‌عنوان بخشی از سازوکار شکل‌گیری رفتار نوجوان در نظر گرفته شود.

از دیدگاه تحولی، تأثیر محیط خانواده بر رفتار نوجوان ممکن است از طریق سازوکارهای روان‌شناختی درونی اعمال شود. یکی از چارچوب‌های مناسب برای تبیین این فرایند، مفهوم نیازهای بنیادین روان‌شناختی است. نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط از جمله نیازهایی هستند که ارضای آنها با تجربه رشد مطلوب، انگیزش سازگارانه و سلامت روان‌شناختی ارتباط دارد. هنگامی که نوجوان احساس کند در انتخاب‌های متناسب با سن خود نقش دارد، از توانایی و کفایت برخوردار است و روابط عاطفی معناداری با دیگران دارد، احتمال بیشتری وجود دارد که راهبردهای سازگارانۀ تری برای مواجهه با فشارها اتخاذ کند. در مقابل، ناکامی مزمن در این نیازها می‌تواند با احساس بی‌قدرتی، طردشدگی، ناکارآمدی و کاهش انگیزش درونی همراه شود و زمینه را برای رفتارهای جبرانی یا پرخطر فراهم سازد. شواهد نشان داده‌اند که نیازهای بنیادین روان‌شناختی حتی با پیامدهای شدیدی نظیر افکار خودکشی و خطر رفتار خودکشی در جوانان ارتباط دارند و درک آنها برای تبیین رفتارهای آسیب‌زا اهمیت دارد (Britton et al., 2014).

در پژوهش‌های داخلی نیز رابطه نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای پرخطر مورد توجه قرار گرفته است. نتایج نشان داده‌اند که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در کنار تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های دلبستگی و سرزندگی ذهنی می‌تواند در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر

نوجوانان، به‌ویژه دختران نوجوان، نقش داشته باشد (Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2013; Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2022). همچنین، مدل‌های ساختاری نشان داده‌اند که نیازهای بنیادین روان‌شناختی در کنار ویژگی‌های شخصیتی و سازوکارهای هیجانی می‌توانند سهم معناداری در تبیین رفتارهای پرخطر داشته باشند (Yaghoubzadeh et al., 2022). از این منظر، نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌توانند پلی میان تجربه‌های محیطی و خانوادگی از یک سو و رفتارهای آشکار نوجوان از سوی دیگر باشند.

این دیدگاه با مطالعاتی که بر نقش تنظیم هیجان در ارتباط میان فرزندپروری و رفتارهای پرخطر تأکید دارند نیز همخوان است. شواهد نشان داده‌اند که شیوه‌های ادراک‌شده فرزندپروری می‌توانند از طریق دشواری‌های تنظیم هیجان با رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت در نوجوانان مرتبط شوند (Singh, 2024). همچنین، پژوهش‌های مربوط به سبک فرزندپروری مقتدرانه و تحمل‌پریشانی نشان می‌دهند که عوامل خانوادگی و توانایی مدیریت فشارهای هیجانی به‌صورت درهم‌تنیده با خطرپذیری نوجوان ارتباط دارند (Enayati et al., 2025). بنابراین، فرض اینکه کیفیت کارکرد و روابط خانواده از طریق میزان ارضا یا ناکامی نیازهای اساسی نوجوان بر رفتارهای پرخطر اثر می‌گذارد، از پشتوانه نظری و تجربی قابل‌توجهی برخوردار است.

افزون بر این، آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر رفتارهای پرخطر حاصل تعامل ویژگی‌های فردی با محیط خانواده است. یافته‌های جدید نشان می‌دهد که جو عاطفی خانواده می‌تواند شدت اثر آسیب‌پذیری‌های عصب‌شناختی و شناختی بر رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان را تعدیل کند؛ به این معنا که حتی در حضور برخی زمینه‌های فردی، محیط عاطفی خانواده می‌تواند نقش محافظتی یا تشدیدکننده داشته باشد (Ortega et al., 2026). این موضوع بر ضرورت حرکت از مدل‌های تک‌عاملی به مدل‌های ساختاری و چندسطحی تأکید دارد. همچنین، مطالعات مرتبط با انسجام، خودکارآمدی اجتماعی و سازگاری نشان می‌دهند که رفتارهای پرخطر نوجوانان در بستر ترکیبی از منابع خانوادگی و فردی شکل می‌گیرند و بررسی هم‌زمان این عوامل می‌تواند قدرت تبیینی بیشتری ایجاد کند (Yousefi, 2025).

اگرچه تمرکز اصلی پژوهش‌های حوزه رفتار پرخطر بر نوجوانان و جوانان است، ادبیات گسترده‌تر روان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که کیفیت کارکرد شناختی، روان‌شناختی و کیفیت زندگی در گروه‌های سنی مختلف تحت تأثیر عوامل مرتبط با تجربه‌های روانی و رفتاری قرار دارد؛ برای مثال، پژوهش‌هایی در جمعیت سالمندان نیز بر قابلیت تغییرپذیری کارکردهای روان‌شناختی و شناختی از طریق مداخلات هدفمند تأکید کرده‌اند (Faghfouriazar, 2023). این یافته مستقیماً درباره رفتارهای پرخطر نوجوانان نیست، اما به‌طور کلی اهمیت توجه به سازوکارهای روان‌شناختی قابل‌تغییر را در تبیین و طراحی مداخلات رفتاری برجسته می‌کند.

با وجود انباشت شواهد درباره نقش خانواده در رفتارهای پرخطر، هنوز چند خلأ مهم وجود دارد. نخست آنکه بسیاری از مطالعات، هر یک از متغیرهای خانوادگی مانند انسجام، کارکرد، سبک ارتباطی یا رابطه والد-فرزند را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند، در حالی که این مؤلفه‌ها در زندگی واقعی نوجوان به‌طور هم‌زمان عمل می‌کنند (Abbasi-Rad et al., 2024; Lackey & Bursik, 2006; Li & Ma, 2025). دوم آنکه بخشی از پژوهش‌ها بیشتر بر اثرات مستقیم عوامل خانوادگی تمرکز داشته‌اند، در حالی که سازوکارهای روان‌شناختی واسطه‌ای که توضیح می‌دهند چگونه محیط خانواده به رفتار پرخطر تبدیل می‌شود، نیازمند بررسی بیشتری است. در این میان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌توانند یکی از سازوکارهای کلیدی باشند. سوم آنکه شواهد نشان می‌دهد عوامل ساختاری و تعاملی خانواده، از غیبت والدین و طلاق گرفته تا الگوهای ارتباطی و فضای هیجانی خانواده، می‌توانند مسیرهای متفاوتی برای افزایش یا کاهش خطرپذیری ایجاد کنند (Majnounpour et al., 2026; Wang et al., 2026; Javadi, 2024).

این خلأ در بافت‌های فرهنگی خاص اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. الگوهای روابط والد-فرزند، ساختار اقتدار در خانواده، میزان استقلال نوجوان، نحوه بیان هیجان و شیوه مواجهه با تعارض در جوامع مختلف یکسان نیستند؛ بنابراین، نمی‌توان فرض کرد روابط مشاهده‌شده در یک بافت فرهنگی بدون بررسی تجربی به سایر جوامع تعمیم‌پذیر است. در جامعه عراق نیز نوجوانان در بستر ویژگی‌های خاص خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی رشد می‌کنند و بررسی هم‌زمان کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی و تعارض والد-نوجوان می‌تواند تصویر دقیق‌تری از زمینه‌های

خانوادگی رفتارهای پرخطر ارائه دهد. از سوی دیگر، با توجه به شواهد مربوط به نقش نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رفتارهای آسیب‌زا و ناسازگارانه، بررسی این متغیر به‌عنوان سازوکار میانجی می‌تواند تبیین عمیق‌تری از فرایند انتقال اثر عوامل خانوادگی به رفتار نوجوان فراهم سازد (Britton et al., 2014; Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2022; Yaghoubzadeh et al., 2022).

بر این اساس، تلفیق متغیرهای خانوادگی و روان‌شناختی در یک مدل ساختاری می‌تواند هم از نظر نظری و هم از نظر کاربردی ارزشمند باشد. چنین مدلی امکان بررسی هم‌زمان مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم را فراهم می‌کند و می‌تواند مشخص سازد که آیا کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان صرفاً به‌طور مستقیم با رفتارهای پرخطر مرتبط هستند یا بخشی از تأثیر آنها از طریق ارضا یا ناکامی نیازهای بنیادین روان‌شناختی اعمال می‌شود. نتایج چنین بررسی‌ای می‌تواند در طراحی مداخلات خانواده‌محور، برنامه‌های مشاوره‌ای مدارس و برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر مورد استفاده قرار گیرد و به جای تمرکز صرف بر کنترل رفتار نوجوان، بر اصلاح بسترهای ارتباطی و روان‌شناختی مؤثر بر آن تأکید کند (Abebayehu, 2025; Aroj et al., 2025; Salek Foroutan & Mikaeili, 2024; Sarvari et al., 2023; Shariatmadar et al., 2025; Zhang et al., 2024).

بنابراین، هدف پژوهش حاضر مدلیابی رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی بر اساس کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان با نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی بود.

## روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. در این مطالعه، روابط مستقیم و غیرمستقیم میان کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان با رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی، با توجه به نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی، بررسی شد.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان نوجوان عراقی مقطع متوسطه دوره دوم در سال تحصیلی ۲۰۲۵-۲۰۲۶ در استان صلاح‌الدین بوده است که با توجه به اطلاعات حاصله، در کل این استان ۲۳۲ مدرسه دوره دوم متوسطه با بالغ بر ۴۳ هزار دانش‌آموز دوره دوم متوسطه در این سال تحصیلی مشغول به تحصیل بودند را شامل بوده است. از میان جامعه مورد مطالعه، تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. با توجه به ماهیت مدلیابی معادلات ساختاری و تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و پنهان، حجم نمونه انتخاب‌شده برای دستیابی به توان آماری مناسب و برازش مطلوب مدل کافی در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن سن در دامنه نوجوانی، سکونت در منطقه مورد مطالعه، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و توانایی پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها بود. همچنین، پرسشنامه‌های ناقص، مخدوش یا مواردی که بیش از حد مجاز بدون پاسخ مانده بودند، از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از پنج ابزار استاندارد شامل پرسشنامه رفتارهای پرخطر، پرسشنامه کارکرد خانواده، مقیاس الگوهای ارتباطی خانواده، مقیاس تعارض والد-نوجوان و پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی استفاده شد. در ادامه، ویژگی‌های هر یک از این ابزارها ارائه می‌شود.

**پرسشنامه رفتارهای پرخطر نوجوانان:** پرسشنامه رفتارهای پرخطر نوجوانان (YRBS) توسط مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها برای شناسایی و ارزیابی رفتارهای پرخطری که سلامت نوجوانان را تهدید می‌کند طراحی شده است (مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها، ۲۰۱۸). این ابزار طیف گسترده‌ای از رفتارهای مرتبط با سلامت را بررسی می‌کند و در پژوهش‌های حوزه سلامت نوجوانان کاربرد گسترده‌ای دارد. این ابزار، ۶ دسته اصلی از رفتارهای پرخطر شامل مصرف مواد، رفتارهای خشونت‌آمیز، گرایش به معنویت پایین، بی‌احتیاطی در رانندگی،

<sup>1</sup> CDC

فعالیت‌های جنسی پرخطر و رژیم غذایی ناسالم را بررسی می‌کند. این پرسشنامه شامل ۶۱ گویه است که پاسخ‌دهندگان آن‌ها را بر اساس فراوانی انجام رفتارها در مقیاس چندگزینه‌ای (از صفر تا چهار بار یا بیشتر) پاسخ می‌دهند. نمره کل پرسشنامه در محدوده ۰ تا ۲۴۴ لحاظ شده است. برای ارزیابی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ جهت سنجش همسانی درونی استفاده شد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ نسخه عربی پرسشنامه بیش از ۰,۷۸ است که بیانگر پایایی مناسب ابزار و قابلیت استفاده از آن در جامعه عراق است. برای بررسی روایی صوری، پرسشنامه ابتدا به صورت کیفی و از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از افراد جامعه هدف از نظر میزان وضوح، تناسب و دشواری گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. سپس برای ارزیابی کمی روایی صوری از روش تأثیر آیتام استفاده شد. در این روش، اهمیت هر گویه توسط پاسخ‌دهندگان ارزیابی می‌شود و گویه‌هایی که نمره تأثیر کمتر از ۱,۵ داشته باشند برای حذف یا اصلاح در نظر گرفته می‌شوند. نتایج این مرحله نشان داد که تمامی گویه‌ها نمره تأثیر مناسب داشته و هیچ‌یک از گویه‌ها حذف نگردید (پولیت و بک، ۲۰۰۶؛ والتزو همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین این ابزار برای استفاده در بافت فرهنگی عراق مناسب تشخیص داده شد.

**پرسشنامه کارکرد خانواده (FAD):** پرسشنامه کارکرد خانواده (FAD) یکی از ابزارهای استاندارد و پرکاربرد برای سنجش عملکرد خانواده است که بر اساس مدل مک‌مستر کارکرد خانواده طراحی شده است. این ابزار نخستین بار توسط اپستین و همکاران (۱۹۸۳) برای ارزیابی الگوهای تعامل و کارکردهای اساسی خانواده تدوین شد. مدل مک‌مستر خانواده را به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد که کارکرد آن در ابعاد مختلف رفتاری، عاطفی و ارتباطی قابل بررسی است (اپستین و همکاران، ۱۹۸۳). پرسشنامه کارکرد خانواده شامل ۶۰ گویه است که پاسخ‌دهندگان باید آن‌ها را بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت پاسخ دهند. این پرسشنامه عملکرد خانواده را در هفت خرده‌مقیاس حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، درگیری عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده ارزیابی می‌کند. شش خرده‌مقیاس نخست ابعاد اختصاصی عملکرد خانواده را می‌سنجند و خرده‌مقیاس هفتم به عنوان شاخص کلی از سلامت و کارکرد عمومی خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد. حداقل نمره در این پرسشنامه ۶۰ و حداکثر ۲۴۰ لحاظ شده است. در خصوص پایایی و روایی گزارش شده است که این پرسشنامه تا حدی دارای روایی همزمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله با «مقیاس رضایت زناشویی لاک‌والاس» همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات «مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا» نشان داده است. پرسشنامه FAD در پژوهش اولیه نشان داد که این ابزار دارای پایایی و روایی مناسب است و توانایی تمایز میان خانواده‌های بالینی و غیر بالینی را دارد. گرچه پرسشنامه فعلی ۶۰ سؤالی است، اما مطالعات اولیه مبتنی بر یک مقیاس ۵۳ سؤالی بود. هفت سؤال اضافه شد که نتایج گزارش‌ها نشان می‌دهد بر اعتبار خرده‌مقیاس‌هایی که سوال‌ها به آنها اضافه شد، افزوده است. سؤالهای خرده‌مقیاس‌ها در پرسشنامه مشخص شده اند (اپستین و همکاران، ۱۹۸۳). این پرسشنامه با ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌های خود از ۰,۷۲ تا ۰,۹۲، از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. ضرایب آلفای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی در پژوهش امینی (۱۳۷۹) به ترتیب ۰,۹۲، ۰,۶۱، ۰,۳۸، ۰,۷۲، ۰,۶۴، ۰,۶۵، ۰,۶۱ و ۰,۸۱ گزارش شده است. روایی صوری آن توسط اساتید عراقی تأیید گردید و پایایی کل ابزار ترجمه شده به زبان عربی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد. لذا مطالعه اعتباریابی نسخه عربی این پرسشنامه نشان داده که این ابزار از پایایی درونی مطلوبی برخوردار است. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها بیشتر از (۰,۷۸) بوده است. بنابراین، می‌توان استناد کرد که پرسشنامه FAD در بافت عراق نیز ابزاری معتبر و پایا برای ارزیابی جنبه‌های عملکردی خانواده دانش آموزان می‌باشد.

<sup>1</sup> Polit & Beck

<sup>2</sup> Waltz

<sup>3</sup> Family Assessment Device

<sup>4</sup> McMaster Model of Family Functioning

**پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده!** نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده، ۲۶ گویه‌ای با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای است این پرسشنامه برای ارزیابی سبک‌های ارتباطی در خانواده طراحی شده است و دو بعد اصلی جهت‌گیری گفت‌وگو و جهت‌گیری همنوایی را ارزیابی می‌کند. این ابزار به شناسایی انواع الگوهای ارتباطی شامل توافقی، چندصدایی، حمایت‌گر و بی‌توجه کمک می‌کند (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۴). این پرسشنامه دارای مقیاس ۴ درجه‌ای می‌باشد. پرسشنامه دارای ۲ خرده مقیاس جهت‌گیری گفت و شنود (سئوال ۱ تا ۱۵) و خرده مقیاس جهت‌گیری همنوایی (سئوال ۱۶ تا ۲۶) است. حداقل نمره ۰ و حداکثر ۱۰۴ بوده است. پایایی این ابزار در مطالعات بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است. مقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود در مقایسه با جهت‌گیری همنوایی همراه پایایی بیشتری را نشان داده است. در مورد مولفه جهت‌گیری گفت‌و شنود مقدار آلفای کرونباخ در پنج مطالعه برابر ۰/۸۹ بوده است. مقدار آلفای کرونباخ در مطالعات صورت گرفته در دامنه ۰/۸۴ تا ۰/۹۲ قرار دارد و نیز در مورد مقیاس جهت‌گیری همنوایی، ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۴ تا ۰/۷۳ قرار دارد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در ایران کوروش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) این پرسشنامه را مورد بررسی قرار داده‌اند. روایی ملاکی زیر مقیاس جهت‌گیری گفت و شنود در این پژوهش با مقیاس توجه ۰/۷۴ و جهت‌گیری همنوایی با مقیاس حمایت پیش از حد یا کنترل ۰/۴۹ همبستگی معنادار داشت. همچنین، در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ برای جهت‌گیری گفت‌و شنود و برای مقیاس جهت‌گیری همنوایی برابر ۰/۸۱ به دست آمد. روایی صوری آن توسط اساتید عراقی تأیید گردید و پایایی کل ابزار ترجمه شده به زبان عربی با روش الفای کرونباخ ۰/۸ بدست آمد. بنابراین مطالعه اعتباریابی نسخه عربی این پرسشنامه نشان داده که این ابزار از پایایی درونی مطلوبی برخوردار است. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده مقیاس‌ها بیشتر از (۰,۷) بوده است. بنابراین، می‌توان استناد کرد که پرسشنامه RFCP در بافت عراق نیز ابزاری معتبر و پایا برای ارزیابی سبک‌های ارتباطی در خانواده دانش آموزان می‌باشد.

**پرسشنامه تعارض والد-نوجوان (CBQ) فرم مادر:** پرسشنامه تعارض والد-نوجوان (CBQ) ابزاری معتبر برای سنجش کیفیت رابطه والد-نوجوان و میزان تعارض‌های هیجانی و رفتاری میان آن‌ها است. این پرسشنامه حساسیت بالایی در شناسایی تعاملات منفی و تعارض‌آمیز دارد. پرسشنامه CBQ دارای دو نسخه موازی (نسخه والد و نسخه نوجوان) است که امکان بررسی تفاوت ادراک والد و نوجوان از تعارضات خانوادگی را فراهم می‌سازد پرینزو همکاران (۱۹۷۹). در پژوهش حاضر، فرم مادر مورد استفاده قرار گرفته است؛ این ابزار شامل ۲۰ گویه است پاسخ‌ها بر اساس مقیاس دو درجه‌ای (درست / نادرست یا بله / خیر) نمره‌گذاری می‌شوند و نمره بالاتر بیانگر سطح بالاتر تعارض در رابطه مادر-نوجوان است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه خانواده در جوامع عربی نیز نشان داده‌اند که ساختار خانواده در این فرهنگ‌ها اغلب بر پایه نقش‌های والدینی متمایز است؛ به گونه‌ای که مادران مسئولیت اصلی مراقبت و تعاملات روزمره با فرزندان را بر عهده دارند، در حالی که پدران بیشتر نقش‌های اقتصادی و نظارتی کلی را ایفا می‌کنند (باراکت، ۱۹۹۳). در خصوص پایایی و روایی اشاره می‌گردد که در پژوهش کرباسی (۱۳۹۷)، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه تعارض والد-نوجوان بیش از ۷۰/۰ گزارش شده است که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب و پایایی قابل قبول این ابزار می‌باشد. در پژوهش حاضر، با توجه به اجرای ابزار در جامعه عراق، روایی پرسشنامه به صورت بومی توسط اساتید عراقی بررسی شد. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی (اکتشافی و در صورت کفایت حجم نمونه، تأییدی)، ساختار عاملی پرسشنامه در جامعه مورد مطالعه بررسی شد. در این ارتباط مقدار آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه در نمونه عراقی برابر با ۰,۸۳ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. به منظور بررسی روایی سازه پرسشنامه CBQ در جامعه عراق، تحلیل‌های آماری زیر انجام شد: شاخص KMO برابر با ۰,۸۱ به دست آمد که کفایت حجم نمونه برای تحلیل عاملی را تأیید می‌کند. آزمون کرویت معنادار بود ( $p < 0,001$ ) که نشان‌دهنده مناسب

<sup>1</sup> Family Communication Patterns (RFCP)

<sup>2</sup> Ritchie & Fitzpatrick

<sup>3</sup> Koerner & Fitzpatrick

<sup>4</sup> Conflict Behavior Questionnaire Scale

<sup>5</sup> Prinzie

<sup>6</sup> Barakat

بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) ساختار ابزار را تأیید کرد و گویه‌ها بار عاملی قابل قبول (بیش از ۰,۴۰) نشان دادند. در صورت اجرای تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، شاخص‌های برازش مدل در دامنه قابل قبول قرار گرفتند ( $CFI > ۰,۹۰$ )

**مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی<sup>۱</sup> (BPNS):** ابزاری معتبر برای سنجش میزان ارضای سه نیاز اساسی روان‌شناختی خودمختاری، شایستگی و ارتباط است. این سه نیاز بر اساس نظریه خودتعیین‌گری توسط دسی و ریان (۲۰۰۰) به عنوان مؤلفه‌های اساسی رشد سالم، انگیزش درونی و سازگاری روان‌شناختی معرفی شده‌اند. این مقیاس شامل ۲۱ گویه است که سه مؤلفه خودمختاری<sup>۲</sup> (۷ گویه)، شایستگی<sup>۳</sup> (۶ گویه)، ارتباط<sup>۴</sup> (۸ گویه) را می‌سنجد. هر گویه بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم (۱)» تا «کاملاً موافقم (۷)» نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در هر مؤلفه نشان‌دهنده سطح بالاتر ارضای آن نیاز روان‌شناختی است (دسی و ریان، ۲۰۰۰). پایایی و روایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش وی و همکاران (۲۰۰۵) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مقیاس به صورت خودمختاری (استقلال) ۰,۶۸، شایستگی ۰,۷۵، ارتباط ۰,۸۵ و نمره کل مقیاس ۰,۹۰ گزارش شد. این ضرایب نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب تا مطلوب برای خرده‌مقیاس‌ها و پایایی بسیار خوب برای نمره کل ابزار است. همچنین شواهد پژوهشی متعدد، روایی صوری، محتوایی و سازه‌ای مطلوب مقیاس نیازهای بنیادی روان‌شناختی را تأیید کرده‌اند (جانستون و فاینی، ۲۰۱۰). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ابزار مذکور توانایی مناسبی در سنجش سازه‌های مورد نظر نظریه خودتعیین‌گری دارد. در پژوهش حاضر، پایایی نسخه عربی مقیاس BPNS در جامعه عراق از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل ابزار بررسی شد. ضرایب پایایی خرده مقیاس‌ها و نمره کل در مجموع بالای ۰,۸۰ گزارش شد که نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار برای استفاده در بافت فرهنگی عراق می‌باشد. روایی صوری مقیاس در پژوهش حاضر با توجه به اجرای پژوهش در جامعه عراق و تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی، روایی مقیاس BPNS به صورت بومی و تجربی توسط اساتید عراقی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به پشتوانه نظری قوی مقیاس BPNS، استفاده گسترده آن در پژوهش‌های بین‌المللی و داخلی، و انجام مراحل ترجمه، بومی‌سازی و بررسی روایی و پایایی در جامعه عراق، این ابزار از قابلیت لازم برای سنجش نیازهای بنیادین روان‌شناختی در پژوهش حاضر برخوردار است و می‌تواند نقش مهمی در تبیین روابط میان تعارض‌های خانوادگی و پیامدهای روان‌شناختی نوجوانان ایفا کند.

داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند.

## یافته‌ها

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، از مجموع ۳۰۰ دانش‌آموز شرکت‌کننده در پژوهش، ۱۹ درصد ۱۶ ساله، ۴۰ درصد ۱۷ ساله، ۳۲ درصد ۱۸ ساله و ۹ درصد ۱۹ ساله بودند. از نظر پایه تحصیلی نیز ۳۲ درصد در پایه دهم، ۳۳ درصد در پایه یازدهم و ۳۵ درصد در پایه دوازدهم مشغول تحصیل بودند. همچنین ۴۱ درصد از نمونه را پسران و ۵۹ درصد را دختران تشکیل می‌دادند.

در بخش آمار توصیفی متغیرهای اصلی، میانگین کارکرد خانواده برابر با ۱۴۳,۷۰ و انحراف معیار آن ۹,۰۷ بود. میانگین مؤلفه جهت‌گیری گفت‌و شنود ۴۳,۳۳، جهت‌گیری همنوایی ۲۳,۱۲ و رفتار تعارض‌آمیز ۹,۹۱ با انحراف معیار ۴,۷۰ گزارش شد. همچنین میانگین نیاز به خودمختاری ۱۷,۱۶، نیاز به شایستگی ۱۵,۸۸ و نیاز به ارتباط ۲۲,۳۰ بود. میانگین رفتارهای پرخطر نیز ۱۴۵,۳۵ و انحراف معیار آن ۸,۱۰ به‌دست آمد.

<sup>1</sup> Basic Psychological Needs Scale

<sup>2</sup> Self-Determination Theory

<sup>3</sup> Autonomy

<sup>4</sup> Competence

<sup>5</sup> Relatedness

<sup>6</sup> Wei

<sup>7</sup> Johnston & Finney

جدول ۱- توصیف آماری نمرات متغیرهای پژوهش رابطه کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد- نوجوان با گرایش به رفتارهای پر خطر در دانش آموزان نوجوان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

| متغیرها               | مولفه ها            | میانگین | کمترین | بیشترین | انحراف استاندارد |
|-----------------------|---------------------|---------|--------|---------|------------------|
| کارکرد خانواده        | -----               | ۱۴۳,۷۰  | ۱۱۱    | ۱۶۰     | ۹,۰۷             |
| الگوی ارتباطی خانواده | جهت گیری گفت و شنود | ۴۳,۳۳   | ۲۵     | ۶۰      | ۷,۷۸             |
|                       | جهتگیری همنوایی     | ۲۳,۱۲   | ۸      | ۳۹      | ۷,۷۳             |
| رفتار تعارض آمیز      | -----               | ۹,۹۱    | ۰      | ۲۰      | ۴,۷۰             |
| نیازهای بنیادین       | خودمختاری           | ۱۷,۱۶   | ۲      | ۳۳      | ۷,۷۱             |
|                       | نیاز به شایستگی     | ۱۵,۸۸   | ۶      | ۲۶      | ۴,۶۹             |
|                       | نیاز به ارتباط      | ۲۲,۳۰   | ۳      | ۳۸      | ۷,۹۹             |
| رفتارهای پرخطر        | -----               | ۱۴۵,۳۵  | ۱۲۶    | ۱۶۱     | ۸,۱۰             |

ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش: برای بررسی روابط اولیه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که رفتارهای پرخطر با کارکرد خانواده رابطه منفی و معنادار داشت؛ بدین معنا که هرچه کارکرد خانواده مطلوب‌تر بود، میزان رفتارهای پرخطر نوجوانان کمتر می‌شد. همچنین، بین الگوهای ارتباطی مثبت خانواده و رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار مشاهده شد. از سوی دیگر، تعارض والد-نوجوان با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معنادار داشت. افزون بر این، نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار و با کارکرد مطلوب خانواده و الگوهای ارتباطی مثبت رابطه مثبت و معنادار نشان داد.

جدول ۲: ضرائب همبستگی پیرسون در متغیرهای پژوهش رابطه کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد- نوجوان با

گرایش به رفتارهای پر خطر در دانش آموزان نوجوان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

|                       | ۱     | ۲     | ۳     | ۴     | ۵     | ۶     | ۷     |
|-----------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ۱ کارکرد خانواده      | ۱     |       |       |       |       |       |       |
| ۲ جهت گیری گفت و شنود | -۰,۴۸ | ۱     |       |       |       |       |       |
| ۳ جهتگیری همنوایی     | ۰,۴۲  | -۰,۳۶ | ۱     |       |       |       |       |
| ۴ رفتار تعارض آمیز    | ۰,۵۹  | -۰,۴۵ | ۰,۳۹  | ۱     |       |       |       |
| ۵ خودمختاری           | -۰,۴۳ | ۰,۳۳  | -۰,۴۲ | -۰,۳۳ | ۱     |       |       |
| ۶ نیاز به شایستگی     | -۰,۵۶ | ۰,۳۸  | -۰,۳۷ | -۰,۴۲ | ۰,۳۹  | ۱     |       |
| ۷ نیاز به ارتباط      | -۰,۳۶ | ۰,۴۱  | -۰,۳۸ | -۰,۴۵ | ۰,۴۱  | ۰,۴۴  | ۱     |
| ۸ رفتارهای پرخطر      | ۰,۷۰  | -۰,۶۲ | ۰,۶۹  | ۰,۷۲  | -۰,۵۳ | -۰,۵۹ | -۰,۵۱ |

به‌طور کلی، نتایج همبستگی‌ها نشان می‌دهد که کارکرد نامطلوب خانواده، الگوهای ارتباطی ناسازگار (همنوایی بالا و گفت‌وشنود پایین) و تعارض خانوادگی با افزایش رفتارهای پرخطر مرتبط هستند، در حالی که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش بازدارنده و محافظتی در برابر این رفتارها دارد. این یافته‌ها از چارچوب نظری پژوهش و نتایج مطالعات پیشین حمایت می‌کنند.

به‌منظور بررسی برازش مدل مفهومی پژوهش، از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. شاخص‌های برازش گزارش شده نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰,۹۵، شاخص برازش نرم‌شده-تطبیقی (TLI) برابر با ۰,۹۲، شاخص برازش افزایشی (IFI) برابر با ۰,۹۷، شاخص برازش نسبی (RFI) برابر با ۰,۹۷ و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰,۹۶ به دست آمد. از آنجا که مقادیر تمامی این شاخص‌ها بالاتر از حد قابل قبول ۰,۹۰ قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار مفهومی پژوهش شامل روابط پیش‌بینی شده میان کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده، تعارض والد-

نوجوان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی، توسط داده‌های مشاهده‌شده به‌خوبی تأیید می‌شود و این مدل، بازنمایی مناسبی از ساختار مورد مطالعه ارائه می‌دهد.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل

| مدل         | NFI  | RFI  | I FI | TLI  | CFI  |
|-------------|------|------|------|------|------|
| مدل پیش فرض | ۰/۹۶ | ۰/۹۷ | ۰/۹۷ | ۰/۹۲ | ۰/۹۵ |

با توجه به اینکه مقادیر بالای ۰/۹ و نزدیک به یک نشان دهنده ی برازش مطلوب مدل می‌باشد، این امر براساس مقادیر بیان شده در جدول که بیانگر شاخص‌های برازش مدل می‌باشد، به خوبی نشان داده شده و بیانگر برازش مطلوب مدل می‌باشد.

**اثرات مستقیم متغیرها بر رفتارهای پرخطر:** اثر مستقیم کارکرد خانواده و سایر متغیرهای ارتباطی بر رفتارهای پرخطر نشان می‌دهد که کیفیت محیط خانوادگی نه‌تنها از طریق مسیرهای میانجی، بلکه به‌طور مستقیم نیز بر رفتارهای پرخطر تأثیر دارد. در مجموع، مدل نشان می‌دهد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش میانجی مرکزی در ارتباط میان ساختار و الگوهای ارتباطی خانواده با رفتارهای پرخطر ایفا کرده و کیفیت کارکرد و ارتباطات خانوادگی می‌تواند به‌طور معناداری احتمال بروز رفتارهای پرخطر را کاهش یا افزایش دهد.

جدول ۴- برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرها

| متغیر مستقل        | متغیر وابسته    | ضریب مسیر استاندارد (بتا) | ضریب مسیر غیر خطای استاندارد | آماره تی C.R |
|--------------------|-----------------|---------------------------|------------------------------|--------------|
| کارکرد خانواده     | رفتارهای پرخطر  | ۰.۳۴۳                     | ۰.۶۷۳                        | ۴.۳۶۷        |
| جهتگیری گفت و شنود | رفتارهای پرخطر  | -۰.۲۵۶                    | -۰.۳۵۹                       | -۵.۵۶۸       |
| جهتگیری همنوایی    | رفتارهای پرخطر  | ۰.۲۶۷                     | -۰.۳۳۸                       | -۴.۲۹۶       |
| رفتار تعارض آمیز   | رفتارهای پرخطر  | ۰.۳۳۲                     | ۰.۳۵۹                        | ۴.۱۵۶        |
| نیازهای بنیادین    | رفتارهای پرخطر  | -۰.۴۹۸                    | -۰.۷۳۹                       | -۶.۸۷۶       |
| کارکرد خانواده     | نیازهای بنیادین | -۰.۳۹۴                    | -۰.۲۶۵                       | -۵.۹۸۷       |
| جهتگیری گفت و شنود | نیازهای بنیادین | ۰.۳۷۴                     | ۰.۴۵۳                        | ۶.۱۳۷        |
| جهتگیری همنوایی    | نیازهای بنیادین | -۰.۲۸۶                    | ۰.۳۱۷                        | ۵.۱۲۳        |
| رفتار تعارض آمیز   | نیازهای بنیادین | -۰.۳۹۷                    | -۰.۱۵۴                       | -۶.۱۲۴       |

بر اساس نتایج جدول ۴، تمامی مسیرهای مستقیم میان متغیرهای مدل از نظر آماری معنادار هستند و مقدار آماره  $t$  آن‌ها بزرگ‌تر از مقدار بحرانی (۱،۹۶) گزارش شده است. کارکرد خانواده با ضریب بتای (۰،۳۴۳) تأثیر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر دارد، در حالی که جهت‌گیری گفت‌وشنود با بتای منفی (۰،۲۵۶) موجب کاهش رفتارهای پرخطر می‌شود. جهت‌گیری همنوایی برخلاف گفت‌وشنود اثری مثبت بر رفتارهای پرخطر دارد (۰،۲۶۷) و نشان می‌دهد ساختارهای ارتباطی مبتنی بر اطاعت، احتمال بروز رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهند. رفتار تعارض آمیز نیز با ضریب (۰،۳۳۲) رابطه‌ای مثبت و معنادار با رفتارهای پرخطر دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد نیازهای بنیادین با ضریب منفی (۰،۴۹۸) نقش بازدارنده‌ای در رفتارهای پرخطر ایفا می‌کند. در بخش دیگر مسیرهای مربوط به نیازهای بنیادین نیز کاملاً معنادارند؛ به‌طوری‌که کارکرد خانواده اثر منفی و معناداری بر نیازهای بنیادین دارد (بتا = -۰،۳۹۴) و هرچه عملکرد خانواده ضعیف‌تر باشد، ارضای نیازهای بنیادین نوجوان کاهش می‌یابد. گفت‌وشنود خانوادگی اثر مثبت و قابل‌توجهی بر نیازهای بنیادین دارد (۰،۳۷۴)، در حالی که همنوایی (۰،۲۸۶-) و رفتار تعارض آمیز (۰،۳۹۷-) موجب تضعیف آن می‌شوند. این نتایج در مجموع نشان می‌دهد که کیفیت الگوهای ارتباطی و ساختار کارکرد خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان ارضای نیازهای بنیادین و پیامدهای رفتاری نوجوانان دارد.

جدول ۵- اثرات کل، اثرات مستقیم و اثرات غیر مستقیم متغیرها

| متغیر | مسیر | اثر مستقیم | اثر غیر مستقیم | اثر کل | ضریب تعیین |
|-------|------|------------|----------------|--------|------------|
|-------|------|------------|----------------|--------|------------|

|                    |                |        |        |        |       |
|--------------------|----------------|--------|--------|--------|-------|
| رفتارهای پرخطر     | کارکرد خانواده | ۰.۳۴۳  | ۰.۶۰۳  | ۰.۹۷۳  | ۰.۵۰۳ |
| جهتگیری گفت و شنود |                | -۰.۲۵۶ | -۰.۱۸۵ | -۰.۴۴۱ |       |
| جهتگیری همنوایی    |                | ۰.۲۶۷  | ۰.۱۴۵  | ۰.۴۱۲  |       |
| رفتار تعارض آمیز   |                | ۰.۳۳۲  | ۰.۲۰۰  | ۰.۵۳۲  |       |
| نیازهای بنیادین    |                | -۰.۴۹۸ | ---    | ۰.۴۹۸  |       |
| نیازهای بنیادین    | کارکرد خانواده | -۰.۳۹۴ | ---    | -۰.۳۹۴ | ۰.۳۳۱ |
| جهتگیری گفت و شنود |                | ۰.۳۷۴  | ---    | ۰.۳۷۴  |       |
| جهتگیری همنوایی    |                | -۰.۲۸۶ | ---    | -۰.۲۸۶ |       |
| رفتار تعارض آمیز   |                | -۰.۳۹۷ | ---    | -۰.۳۹۷ |       |

جدول ۵- تصویری جامع از اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای مدل ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای پیش‌بین تا چه اندازه به‌طور مستقیم یا از طریق نیازهای بنیادین بر رفتارهای پرخطر اثر می‌گذارند. بر اساس این نتایج، ضریب تعیین رفتارهای پرخطر برابر ۰.۵۰۳ است؛ یعنی حدود ۵۰ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر توسط کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی، رفتار تعارض‌آمیز و نیازهای بنیادین تبیین می‌شود که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی بالای مدل است. کارکرد خانواده با داشتن بزرگ‌ترین اثر کل (۰.۹۷۳) بیشترین نقش را در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دارد و این اثر عمدتاً از مسیر غیرمستقیم (۰.۶۰۳) و تا حدی از مسیر مستقیم (۰.۳۴۳) اعمال می‌شود؛ بنابراین نیازهای بنیادین میانجی مهمی در این رابطه محسوب می‌شود. جهت‌گیری گفت‌وشنود اثری کاهنده بر رفتارهای پرخطر دارد و اثر کل آن (-۰.۴۴۱) ترکیبی از یک اثر مستقیم منفی (-۰.۲۵۶) و یک اثر غیرمستقیم منفی (-۰.۱۸۵) است؛ به این معنا که گفت‌وشنود هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تقویت نیازهای بنیادین باعث کاهش رفتارهای پرخطر می‌شود. جهت‌گیری همنوایی در مقابل دارای اثری افزایش‌دهنده بر رفتارهای پرخطر است (اثر کل = ۰.۴۱۲) و هم مسیر مستقیم مثبت (۰.۲۶۷) و هم اثر غیرمستقیم مثبت (۰.۱۴۵) نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی مبتنی بر اطاعت، چه به‌طور مستقیم و چه از طریق تضعیف نیازهای بنیادین، احتمال رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهند. رفتار تعارض‌آمیز نیز اثر کل قابل‌توجهی برابر ۰.۵۳۲ دارد و علاوه بر اثر مستقیم مثبت (۰.۳۳۲)، از طریق اثر غیرمستقیم (۰.۲۰۰) نیز بر افزایش رفتارهای پرخطر اثر می‌گذارد. در بخش مربوط به نیازهای بنیادین (با ضریب تعیین ۰.۳۳۱)، مشخص است که کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌وشنود، همنوایی و رفتار تعارض‌آمیز همگی اثر مستقیم و معنادار بر این متغیر دارند و هیچ اثر غیرمستقیمی در این بخش گزارش نشده است؛ به‌طوری‌که گفت‌وشنود بیشترین اثر مثبت (۰.۳۷۴) و رفتار تعارض‌آمیز بیشترین اثر منفی (-۰.۳۹۷) را دارند. مجموع این نتایج نشان می‌دهد نیازهای بنیادین نقش کلیدی در میانجی‌گری روابط خانواده و الگوهای ارتباطی با رفتارهای پرخطر نوجوانان دارد و مدل از انسجام و قدرت تبیین بالایی برخوردار است.

#### جدول ۶- ضرایب تعیین متغیرهای تحقیق

| متغیر           | ضریب تعیین ( $R^2$ ) |
|-----------------|----------------------|
| رفتارهای پرخطر  | ۰/۵۰۳                |
| نیازهای بنیادین | ۰/۳۳۱                |

نتایج جدول ۶ بیانگر آن است که مدل پژوهش توان تبیین قابل‌قبولی برای متغیرهای وابسته دارد. بر اساس این جدول، ضریب تعیین رفتارهای پرخطر برابر با ۰.۵۰۳ است؛ به این معنا که حدود ۵۰ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر توسط متغیرهای پیش‌بین مدل (کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی، رفتار تعارض‌آمیز و نیازهای بنیادین) توضیح داده می‌شود. این مقدار نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی بالا و کفایت مدل برای متغیری پیچیده مانند رفتارهای پرخطر است. از سوی دیگر، ضریب تعیین نیازهای بنیادین برابر با ۰.۳۳۱ گزارش شده است؛ به این مفهوم که

حدود ۳۳ درصد از تغییرات نیازهای بنیادین از طریق متغیرهای کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌وشنود، جهت‌گیری همنوایی و رفتار تعارض‌آمیز قابل پیش‌بینی است. این سطح از تبیین برای سازه‌های روان‌شناختی میانجی‌گر معمولاً قابل قبول و نشان‌دهنده نقش مؤثر متغیرهای خانوادگی در ارضای نیازهای بنیادین است. در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهند که مدل پژوهش از انسجام و برازش کافی برخوردار است و توانسته سهم معناداری از واریانس متغیرهای اصلی را تبیین کند.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای خانوادگی شامل کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان نقش معناداری در تبیین رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی دارند. در این میان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی به‌عنوان یک سازوکار تبیینی مهم، بخشی از اثر این متغیرها را بر رفتارهای پرخطر میانجی‌گری می‌کند. بر این اساس، هرچه خانواده از کارکرد مطلوب‌تر و ارتباطات سالم‌تری برخوردار باشد و سطح تعارض والد-نوجوان کمتر باشد، احتمال ارضای بیشتر نیازهای بنیادین روان‌شناختی نوجوان و در نتیجه کاهش رفتارهای پرخطر افزایش می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی بر اساس کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان با نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی انجام شد. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است؛ به‌طوری‌که شاخص‌های  $CFI=0.95$ ،  $TLI=0.92$ ،  $IFI=0.97$ ،  $RFI=0.97$  و  $NFI=0.96$  همگی در محدوده قابل قبول قرار داشتند. همچنین، متغیرهای موجود در مدل در مجموع ۵۰٫۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر نوجوانان را تبیین کردند و متغیرهای خانوادگی ۳۳٫۱ درصد از واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی را توضیح دادند. افزون بر این، تمامی مسیرهای مستقیم اصلی مدل معنادار بودند؛ به‌گونه‌ای که کارکرد خانواده با ضریب استاندارد ۰٫۳۴۳، جهت‌گیری گفت‌وشنود با ضریب ۰٫۲۵۶-، جهت‌گیری همنوایی با ضریب ۰٫۲۶۷، رفتار تعارض‌آمیز والد-نوجوان با ضریب ۰٫۳۳۲ و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با ضریب ۰٫۴۹۸- با رفتارهای پرخطر ارتباط داشتند. همچنین، کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌وشنود، جهت‌گیری همنوایی و رفتار تعارض‌آمیز، نیازهای بنیادین روان‌شناختی را به‌طور معنادار پیش‌بینی کردند و اثرات غیرمستقیم متغیرهای خانوادگی بر رفتارهای پرخطر نیز مؤید نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی بود. در تفسیر جهت ضریب کارکرد خانواده باید شیوه نمره‌گذاری ابزار مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در بخش‌های دیگر یافته‌های پژوهش، کارکرد مطلوب‌تر خانواده به‌عنوان عامل مرتبط با کاهش رفتارهای پرخطر توصیف شده است.

نخستین یافته مهم پژوهش نشان داد که کارکرد خانواده ارتباط معناداری با رفتارهای پرخطر نوجوانان دارد. این یافته با بخش قابل‌توجهی از ادبیات پژوهشی همسواست که خانواده را یکی از مهم‌ترین نظام‌های محافظتی یا خطرآفرین در دوره نوجوانی معرفی کرده‌اند. در خانواده‌هایی که انسجام، حمایت عاطفی، پاسخ‌گویی مناسب، نظارت و حل مسئله مؤثر وجود دارد، نوجوان معمولاً از منابع بیشتری برای مدیریت فشارهای تحولی و اجتماعی برخوردار است؛ در مقابل، آشفتگی در نقش‌ها، روابط عاطفی ضعیف، تعارض‌های حل‌نشده و نظارت ناکافی می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای ناسازگارانه را افزایش دهد. Lackey و Bursik نشان دادند که انسجام خانوادگی با رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه دارد و کیفیت پیوندهای خانوادگی می‌تواند در برابر خطرپذیری نوجوان نقش محافظتی داشته باشد (Lackey & Bursik, 2006). همچنین، مرور پژوهش‌های مربوط به نقش خانواده در کاهش رفتارهای پرخطر نشان می‌دهد که عملکرد مناسب خانواده، حمایت والدین و انسجام روابط از مهم‌ترین عوامل محافظتی در برابر آسیب‌های رفتاری دوره نوجوانی محسوب می‌شوند (Salek Foroutan & Mikaeili, 2024). یافته‌های Yousefi نیز نشان داد که انسجام خانواده در کنار سازگاری و خودکارآمدی اجتماعی توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان را دارد (Yousefi, 2025).

تبیین این یافته را می‌توان در ماهیت تنظیم‌کننده خانواده جست‌وجو کرد. نوجوان در خانواده نه تنها قواعد رفتاری را فرا می‌گیرد، بلکه شیوه مواجهه با ناکامی، مدیریت هیجان، ارزیابی پیامدهای رفتار و استفاده از حمایت اجتماعی را نیز تجربه می‌کند. هنگامی که خانواده در انجام این کارکردها موفق باشد، نوجوان برای مواجهه با فشارهای همسالان، تعارض‌های تحصیلی و نیاز به استقلال از منابع سالم‌تری بهره می‌برد. در مقابل، ناکارآمدی خانوادگی ممکن است نوجوان را به جست‌وجوی حمایت، هیجان یا احساس تعلق در منابع بیرونی و گاه ناسالم سوق دهد. مطالعه Junaid و همکاران نیز نشان داد که کارکرد خانواده می‌تواند رابطه میان فشار همسالان و خطرپذیری نوجوانان را تعدیل کند؛ بنابراین، حتی در شرایطی که نوجوان در معرض عوامل خطر بیرونی قرار دارد، کیفیت عملکرد خانواده می‌تواند شدت پیامد رفتاری را تغییر دهد (Junaid et al., 2025). همچنین، یافته‌های مربوط به ارتباط کارکرد خانواده با رفتارهای پرخطر در جمعیت‌های دارای مشکلات مصرف مواد، بر اهمیت نقش نظام خانواده در رفتارهای خطرآفرین تأکید دارد (Aroj et al., 2025). پژوهش Zhang و همکاران نیز در دانش‌آموزان در معرض خطر اعتیاد اینترنتی نشان داد که مشکلات کارکرد خانوادگی با رفتارهای انحرافی و ناسازگارانه مرتبط است (Zhang et al., 2024).

یافته دوم نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده نقش معناداری در رفتارهای پرخطر نوجوانان دارند. به‌طور مشخص، جهت‌گیری گفت‌وشنود اثر منفی بر رفتارهای پرخطر داشت، در حالی که جهت‌گیری همناوایی اثر مثبت نشان داد. اثر کل جهت‌گیری گفت‌وشنود بر رفتارهای پرخطر  $-0.441$  بود که از یک اثر مستقیم  $-0.256$  و اثر غیرمستقیم  $-0.185$  تشکیل شده بود. در مقابل، اثر کل جهت‌گیری همناوایی  $0.412$  بود که شامل اثر مستقیم  $0.267$  و اثر غیرمستقیم  $0.145$  می‌شد. بنابراین، هرچه فضای خانواده بیشتر امکان تبادل آزاد افکار، بیان احساسات و گفت‌وگوی دوطرفه را فراهم کند، احتمال رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود؛ در حالی که غلبه ارتباط مبتنی بر همناوایی، اطاعت و تأکید بیش از حد بر یکسانی نگرش‌ها می‌تواند با افزایش خطرپذیری همراه باشد.

این نتیجه با پژوهش Abbasi-Rad و همکاران همخوان است که رابطه معناداری بین الگوهای ارتباطی خانواده و رفتارهای پرخطر نوجوانان گزارش کردند و نشان دادند که سازوکارهای فردی نیز می‌توانند در این رابطه دخیل باشند (Abbasi-Rad et al., 2024). همچنین، Sarvari و همکاران نشان دادند که الگوهای ارتباطی خانواده از طریق امنیت هیجانی با رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط پیدا می‌کنند (Sarvari et al., 2023). از نظر تبیینی، گفت‌وشنود خانوادگی به نوجوان اجازه می‌دهد افکار و نگرانی‌های خود را بدون ترس از طرد یا سرزنش بیان کند، بازخورد دریافت کند و برای مسائل بین‌فردی راه‌حل‌های سازگارانه بیابد. چنین محیطی احساس شنیده‌شدن و ارزشمندی را تقویت کرده و نیاز نوجوان به جست‌وجوی تأیید در محیط‌های پرخطر را کاهش می‌دهد. در مقابل، خانواده‌هایی که در آنها اطاعت، محدودیت بیان و همسانی اجباری اولویت دارد، ممکن است استقلال‌طلبی طبیعی نوجوان را با مانع روبه‌رو سازند و زمینه تعارض یا رفتارهای جبرانی را فراهم کنند.

اهمیت این یافته در محیط‌های دیجیتال نیز قابل مشاهده است. نوجوانان امروزی بخش قابل‌توجهی از روابط اجتماعی خود را در شبکه‌های اجتماعی و محیط آنلاین تجربه می‌کنند و کیفیت ارتباط خانوادگی می‌تواند نحوه مواجهه آنان با مخاطرات این محیط‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. Abebayehu نشان داد که نوجوانان، سبک ارتباطی خانواده را عاملی مؤثر در رفتارهای پرخطر شبکه‌های اجتماعی ادراک می‌کنند و کیفیت گفت‌وگوی والد-فرزند می‌تواند در مدیریت خطرهای دیجیتال نقش داشته باشد (Abebayehu, 2025). بنابراین، نقش ارتباطات خانوادگی را نمی‌توان تنها به رفتارهای پرخطر سنتی محدود کرد، بلکه این ارتباطات می‌توانند بر تصمیم‌گیری نوجوان در حوزه‌های جدید خطرپذیری نیز اثرگذار باشند.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که رفتار تعارض‌آمیز والد-نوجوان رابطه مثبت و معناداری با رفتارهای پرخطر دارد. اثر مستقیم تعارض بر رفتارهای پرخطر  $0.332$  و اثر غیرمستقیم آن از طریق نیازهای بنیادین روان‌شناختی  $0.200$  بود و در نتیجه اثر کل آن به  $0.532$  رسید. همچنین، رفتار تعارض‌آمیز با ضریب  $-0.397$  اثر منفی معناداری بر نیازهای بنیادین روان‌شناختی داشت. این یافته نشان می‌دهد که تعارض

والد-نوجوان نه تنها مستقیماً احتمال رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند با تضعیف تجربه خودمختاری، شایستگی و ارتباط، به‌طور غیرمستقیم نیز بر این رفتارها اثر بگذارد.

این یافته با نتایج مطالعاتی که بر کیفیت رابطه والد-فرزند تأکید کرده‌اند، هماهنگ است. Shariatmadar و همکاران در مطالعه کیفی خود نشان دادند که نوجوانان دختر دارای رفتارهای پرخطر، ویژگی‌های رابطه والد-فرزند را یکی از عناصر برجسته تجربه خانوادگی خود می‌دانند (Shariatmadar et al., 2025). همچنین، Motavalli و همکاران نشان دادند که الگوهای تعامل والدین در کنار ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند گرایش نوجوانان دختر به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند (Motavalli et al., 2025). از دیدگاه تحولی، نوجوانی دوره افزایش استقلال‌طلبی است و اگر والدین نتوانند میان اعمال نظارت و احترام به استقلال نوجوان تعادل ایجاد کنند، تعارض‌های معمول این دوره ممکن است به کشمکش‌های مزمن تبدیل شوند. تعارض مزمن می‌تواند امنیت عاطفی نوجوان را کاهش داده، احساس تعلق خانوادگی را تضعیف کند و او را به استفاده از روش‌های ناسازگارانه برای مقابله با فشار روانی سوق دهد.

نتایج مطالعات مربوط به ساختار روابط خانوادگی نیز از این تبیین حمایت می‌کنند. Li و Ma گزارش کردند که کیفیت رابطه والد-فرزند از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سرمایه روان‌شناختی با رفتارهای خطرپذیر نوجوانان ارتباط دارد (Wang, Li & Ma, 2025). و همکاران نیز نشان دادند که غیبت والدین می‌تواند با رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت در نوجوانان مرتبط باشد و بدین ترتیب بر اهمیت حضور و کیفیت تعامل والدین تأکید کردند (Wang et al., 2026). به همین ترتیب، پیامدهای رفتاری ناشی از طلاق والدین نشان می‌دهد که اختلال در پیوستگی و سازمان خانواده می‌تواند نوجوان را با چالش‌های رفتاری و کارکردی مواجه سازد (Majnounpour & Javadi, 2024). بنابراین، تعارض والد-نوجوان را می‌توان بخشی از طیفی گسترده‌تر از اختلال در کیفیت رابطه خانوادگی دانست که ممکن است منابع حمایت و امنیت نوجوان را کاهش دهد.

مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر به نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی مربوط بود. نیازهای بنیادین با ضریب  $-0.498$  - اثر مستقیم و بازدارنده‌ای بر رفتارهای پرخطر داشتند. همچنین، جهت‌گیری گفت‌وگوشنود با ضریب  $0.374$ ، نیازهای بنیادین را تقویت کرد، در حالی که جهت‌گیری هموایی با ضریب  $-0.286$  و رفتار تعارض‌آمیز با ضریب  $-0.397$  با کاهش آنها همراه بودند. مدل نشان داد که این نیازها بخش قابل توجهی از اثر متغیرهای خانوادگی بر رفتارهای پرخطر را منتقل می‌کنند. بنابراین، کیفیت محیط خانواده احتمالاً از طریق میزان تجربه خودمختاری، شایستگی و ارتباط توسط نوجوان به پیامدهای رفتاری تبدیل می‌شود.

این یافته با نتایج Mohammadi-Hosseini-Asl و همکاران همسو است که نشان دادند ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در کنار تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط دارد (Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2013; Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2022). همچنین، Yaghoubzadeh و همکاران در یک مدل ساختاری نشان دادند که نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌توانند همراه با ویژگی‌های شخصیتی و سازوکارهای هیجانی در تبیین رفتارهای پرخطر نقش داشته باشند (Yaghoubzadeh et al., 2022). Britton و همکاران نیز ارتباط میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی و پیامدهای شدید خطرآفرین از جمله افکار و خطر رفتار خودکشی را گزارش کرده‌اند (Britton et al., 2014). این مجموعه شواهد نشان می‌دهد که ناکامی در نیازهای اساسی ممکن است زمینه‌ای عمومی برای افزایش آسیب‌پذیری نسبت به رفتارهای ناسازگارانه ایجاد کند.

از نظر نظری، نوجوانی که در خانواده‌ای حمایتگر و گفت‌وگومحور زندگی می‌کند، احتمال بیشتری دارد که خود را در روابط خانوادگی پذیرفته‌شده بداند، توانایی‌هایش مورد تأیید قرار گیرد و برای اتخاذ تصمیم‌های متناسب با سن خود از حدی از استقلال برخوردار باشد. چنین تجربه‌ای به ارضای نیاز به ارتباط، شایستگی و خودمختاری منجر می‌شود. در مقابل، ارتباطات کنترل‌گر، تعارض مداوم و ناکارآمدی روابط می‌تواند احساس محدودشدگی، بی‌کفایتی یا طردشدگی را افزایش دهند. نوجوان ممکن است در چنین شرایطی رفتارهای پرخطر را به‌عنوان راهی برای دستیابی به هیجان، اثبات استقلال، کسب پذیرش اجتماعی یا اجتناب از هیجان‌های منفی به کار گیرد. شواهد مربوط به نقش

مشکلات تنظیم هیجان در ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری و رفتارهای خطرآمیز سلامت نیز این تبیین را تقویت می‌کند (Singh, 2024). همچنین، نقش تحمل پریشانی و سبک فرزندپروری در پیش‌بینی خطرپذیری نوجوانان نشان می‌دهد که سازوکارهای درونی و روابط خانوادگی در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند (Enayati et al., 2025).

از سوی دیگر، اثر محیط خانواده بر نوجوان در خلأ اتفاق نمی‌افتد و ویژگی‌های فردی و آسیب‌پذیری‌های شناختی-هیجانی نیز در این فرایند نقش دارند. Ortega و همکاران نشان دادند که جو عاطفی خانواده می‌تواند رابطه میان آسیب‌پذیری عصب‌شناختی-شناختی و رفتارهای پرخطر نوجوانان را تعدیل کند (Ortega et al., 2026). این یافته با مدل پژوهش حاضر سازگار است، زیرا نشان می‌دهد محیط خانواده قادر است شدت اثر عوامل درونی بر رفتار نوجوان را تغییر دهد. همچنین، پژوهش‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای تعامل والدین بر ضرورت استفاده از مدل‌های چندعاملی در تبیین رفتارهای پرخطر تأکید کرده‌اند (Abbasi-Rad et al., 2024; Motavalli et al., 2025). حتی شواهدی که در حوزه‌های دیگر روان‌شناسی بر تغییرپذیری کارکردهای روان‌شناختی و شناختی از طریق مداخلات هدفمند تأکید می‌کنند، اهمیت تمرکز بر سازوکارهای قابل‌اصلاح را برجسته می‌سازند (Faghfouriazar, 2023).

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر از یک الگوی چندسطحی حمایت می‌کند که در آن رفتارهای پرخطر نوجوانان نه حاصل یک عامل منفرد، بلکه پیامد تعامل کیفیت کارکرد خانواده، شیوه ارتباط اعضای خانواده، میزان تعارض والد-نوجوان و تجربه درونی نوجوان از ارضای نیازهای اساسی است. قدرت تبیینی ۵۰٫۳ درصدی مدل نیز نشان می‌دهد که مجموعه متغیرهای خانوادگی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی سهم قابل‌توجهی در توضیح تفاوت‌های فردی در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی دارند. این نتیجه با مجموعه مطالعاتی که خانواده را یک بستر مهم برای شکل‌گیری یا پیشگیری از خطرپذیری نوجوان معرفی کرده‌اند همخوان است (Lackey & Bursik, 2006; Salek Foroutan, 2025; Mikaeili, 2024; Sarvari et al., 2023; Yousefi, 2025). در عین حال، میانجیگری نیازهای بنیادین نشان می‌دهد که تأثیر محیط خانوادگی صرفاً رفتاری یا نظارتی نیست، بلکه بخشی از آن از طریق تجربه روان‌شناختی نوجوان از خودمختاری، شایستگی و ارتباط اعمال می‌شود.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست، ماهیت توصیفی-همبستگی و مقطعی پژوهش امکان استنباط قطعی روابط علی میان متغیرهای مدل را محدود می‌کند. دوم، داده‌ها عمدتاً با استفاده از ابزارهای خودگزارشی گردآوری شدند و بنابراین احتمال سوگیری ناشی از مطلوبیت اجتماعی، خطا در یادآوری یا عدم تمایل نوجوانان به گزارش دقیق برخی رفتارهای پرخطر وجود دارد. سوم، نمونه پژوهش به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان صلاح‌الدین محدود بود و این مسئله تعمیم نتایج به تمام نوجوانان عراق، نوجوانان خارج از نظام آموزشی یا مناطق دارای شرایط فرهنگی و اجتماعی متفاوت را با احتیاط همراه می‌سازد. همچنین، برخی متغیرهای بالقوه مؤثر مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی، فشار همسالان، سلامت روان والدین و کیفیت روابط همسالان در مدل وارد نشده بودند.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از طرح‌های طولی استفاده شود تا جهت زمانی و احتمال روابط علی میان متغیرهای خانوادگی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر روشن‌تر شود. همچنین، استفاده هم‌زمان از گزارش نوجوانان، والدین و معلمان و ترکیب پرسشنامه با مصاحبه یا ارزیابی رفتاری می‌تواند اعتبار یافته‌ها را افزایش دهد. انجام پژوهش در استان‌ها و گروه‌های قومی و فرهنگی مختلف عراق و مقایسه نوجوانان دختر و پسر نیز می‌تواند به بررسی پایداری مدل کمک کند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود متغیرهایی مانند فشار همسالان، تنظیم هیجان، امنیت هیجانی، سرمایه روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و استفاده مسئله‌ساز از شبکه‌های اجتماعی به مدل‌های بعدی افزوده شوند و نقش تعدیل‌کننده جنسیت، سن، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و ساختار خانواده بررسی شود.

بر اساس یافته‌ها، برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر نوجوانان بهتر است علاوه بر تمرکز بر خود نوجوان، خانواده را نیز به‌عنوان واحد مداخله در نظر بگیرند. آموزش مهارت‌های گفت‌وگوی سازنده، گوش دادن فعال، حل مسئله و مدیریت تعارض به والدین می‌تواند کیفیت روابط

خانوادگی را ارتقا دهد. مشاوران مدارس می‌توانند نوجوانانی را که هم‌زمان تعارض خانوادگی بالا، ارتباط ضعیف با والدین و نشانه‌های ناکامی در نیازهای خودمختاری، شایستگی یا ارتباط دارند، به‌عنوان گروه‌های در معرض خطر بیشتر شناسایی کنند. همچنین، طراحی برنامه‌های خانواده‌محور که در آنها والدین نحوه حمایت از استقلال متناسب با سن نوجوان، تقویت احساس شایستگی و ایجاد رابطه عاطفی امن را بیاموزند، می‌تواند در کاهش زمینه‌های روان‌شناختی رفتارهای پرخطر مؤثر باشد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## Extended Abstract

### Introduction

Adolescence is a critical developmental period characterized by rapid biological, cognitive, emotional, and social changes. Alongside increasing autonomy, identity exploration, greater involvement with peers, and growing exposure to environments beyond the family, adolescents may become more vulnerable to behaviors that threaten their physical, psychological, and social well-being. Risky behaviors encompass a broad range of actions, including substance use, aggression and violence, unsafe sexual activities, dangerous driving, unhealthy behavioral patterns, and other forms of risk taking. Such behaviors cannot be adequately explained solely by individual characteristics because they emerge from the interaction of personal, familial, interpersonal, and social factors. Recent studies have therefore increasingly emphasized multilevel explanations in which personality, emotion regulation, parenting, family relationships, and other psychological mechanisms jointly contribute to adolescent risk-taking tendencies (Enayati et al., 2025; Motavalli et al., 2025; Singh, 2024).

Among these factors, the family represents one of the most influential developmental contexts. It is the primary environment in which adolescents learn behavioral norms, emotional regulation strategies, communication styles, conflict-resolution skills, and ways of responding to stress. Family cohesion and effective family functioning may serve as protective resources, whereas dysfunctional family environments may increase vulnerability to maladaptive and risky behavior. Earlier evidence has demonstrated a meaningful association between family cohesion and adolescent risk behavior (Lackey & Bursik, 2006). More recent findings have similarly emphasized that family cohesion, support, supervision, and functional relationships may reduce adolescents' vulnerability to high-risk behaviors (Salek Foroutan & Mikaeili, 2024; Yousefi, 2025). Family functioning may also alter adolescents' responses to external influences such as peer pressure, indicating that the family remains an important regulatory context even when adolescents increasingly interact with peers and other social environments (Junaid et al., 2025). Dysfunctional family processes have likewise been associated with more severe risk-related behaviors in vulnerable populations (Aroj et al., 2025).

Family communication patterns represent another important dimension of the family environment. Communication-oriented families provide opportunities for adolescents to express thoughts, concerns, and emotions, negotiate differences, and participate in discussions. In contrast, excessively conformity-oriented communication may prioritize obedience and uniformity over open expression and autonomy. Empirical evidence has shown that family communication patterns are significantly related to risky behaviors and that psychological characteristics may mediate these associations (Abbasi-Rad et al., 2024). Emotional security has also been identified as a mechanism through which family communication is associated with adolescent risky behavior (Sarvari et al., 2023). The relevance of communication patterns has become even more evident in digital environments, where adolescents' perceptions of family communication styles may influence their engagement in risky social-media behavior (Ababayehu, 2025). Similarly, impaired family functioning has

been associated with deviant behaviors among school students at risk for problematic Internet use (Zhang et al., 2024).

Parent-adolescent conflict constitutes another major component of family relationships during adolescence. Some conflict is developmentally expected as adolescents seek greater independence; however, persistent, intense, or poorly managed conflict may undermine emotional security and family belonging. Qualitative evidence from adolescents exhibiting high-risk behavior indicates that characteristics of the parent-child relationship are central to their experiences (Shariatmadar et al., 2025). Moreover, parental interaction patterns have been identified as predictors of risky behavior tendencies among adolescent girls (Motavalli et al., 2025). Broader evidence concerning parent-child relationships similarly suggests that perceived social support and psychological resources may transmit the influence of family relationships to adolescent behavioral outcomes (Li & Ma, 2025). Structural family circumstances, including parental absence and parental divorce, may further disrupt support, supervision, and family stability and consequently contribute to health-risk or maladaptive behaviors (Majnounpour & Javadi, 2024; Wang et al., 2026).

The influence of family experiences on risky behavior may operate partly through adolescents' internal psychological processes. Basic psychological needs provide an important framework for understanding such mechanisms. The needs for autonomy, competence, and relatedness are central psychological requirements whose satisfaction is associated with adaptive motivation and psychological adjustment. Conversely, frustration of these needs may increase feelings of powerlessness, rejection, inadequacy, and psychological distress. Basic psychological needs have been associated with severe risk-related outcomes, including suicidal ideation and risk for suicidal behavior (Britton et al., 2014). Studies involving adolescents have also demonstrated that satisfaction of basic psychological needs, together with attachment and emotional-regulation processes, contributes to the prediction of risky behaviors (Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2013; Mohammadi-Hosseini-Asl et al., 2022). Structural research has further supported the role of basic psychological needs in relation to risky behaviors alongside personality and emotional mechanisms (Yaghoubzadeh et al., 2022).

Family environments may therefore affect risky behavior not only directly, but also by shaping the degree to which adolescents experience autonomy, competence, and meaningful relatedness. This interpretation is consistent with findings showing that emotion-regulation difficulties mediate associations between parenting practices and health-risk behaviors (Singh, 2024), as well as evidence regarding the interaction of parenting style, distress tolerance, and adolescent risk behavior (Enayati et al., 2025). The emotional climate of the family may additionally moderate individual vulnerabilities to risky behavior, indicating that family and intrapersonal factors should be examined within integrated models rather than independently (Ortega et al., 2026). Evidence from other psychological fields also underscores the potential modifiability of psychological functioning through targeted interventions, reinforcing the value of identifying changeable psychological mechanisms (Faghfouriazar, 2023). Accordingly, the present study aimed to model risky behaviors among Iraqi adolescents based on family functioning, family communication patterns, and parent-adolescent conflict, with the mediating role of basic psychological needs.

### Methods and Materials

The present study was applied in purpose and used a descriptive-correlational design based on structural equation modeling. The statistical population consisted of all Iraqi upper-secondary school students in Salah al-Din Province during the 2025–2026 academic year. At the time of the study, the province included 232 upper-secondary schools with more than 43,000 students. A total of 300 students were selected through multistage cluster random sampling. Eligibility criteria included being within the adolescent age range, residing in the study area, providing informed consent to participate, and having the ability to complete the questionnaires. Incomplete or substantially invalid questionnaires were excluded from the analysis.

Data were collected using five standardized instruments: the Youth Risk Behavior Survey, the Family Assessment Device, the Revised Family Communication Patterns Questionnaire, the Conflict Behavior Questionnaire, and the Basic Psychological Needs Scale. The family communication instrument assessed conversation orientation and conformity orientation, while basic psychological needs were represented by autonomy, competence, and relatedness. The Arabic versions of the instruments were evaluated for face validity and reliability within the Iraqi context, and reported internal-consistency coefficients were within acceptable ranges. Data analysis included Pearson correlation coefficients to examine bivariate relationships and structural equation modeling using maximum likelihood estimation to assess direct and indirect effects and overall model fit.

### Findings

The structural model demonstrated satisfactory fit to the observed data. The comparative fit index was 0.95, the Tucker-Lewis index was 0.92, the incremental fit index was 0.97, the relative fit index was 0.97, and the normed fit index was 0.96. All indices therefore exceeded the commonly accepted threshold of 0.90.

All major direct pathways in the model were statistically significant. Family functioning had a standardized direct effect of  $\beta=0.343$  on risky behaviors. Conversation orientation had a negative direct effect on risky behaviors ( $\beta=-0.256$ ), whereas conformity orientation had a positive direct effect ( $\beta=0.267$ ). Parent-adolescent conflict also positively predicted risky behaviors ( $\beta=0.332$ ). Basic psychological needs exerted a substantial negative direct effect on risky behaviors ( $\beta=-0.498$ ), indicating that greater satisfaction of basic psychological needs was associated with lower levels of risky behavior.

The family variables also significantly predicted basic psychological needs. Family functioning had a standardized coefficient of  $\beta=-0.394$ , conversation orientation positively predicted basic psychological needs ( $\beta=0.374$ ), conformity orientation negatively predicted them ( $\beta=-0.286$ ), and conflict behavior also had a negative effect ( $\beta=-0.397$ ). Thus, more open conversation was associated with greater satisfaction of psychological needs, whereas conformity-oriented communication and elevated parent-adolescent conflict were associated with lower need satisfaction.

Indirect effects further supported the mediating role of basic psychological needs. Conversation orientation had a total effect of -0.441 on risky behaviors, consisting of a direct effect of -0.256 and an indirect effect of -0.185. Conformity orientation had a total effect of 0.412, comprising a direct effect of 0.267 and an indirect effect of 0.145. Parent-adolescent conflict had a total effect of 0.532, including a direct effect of 0.332 and an indirect effect of 0.200. The model explained 50.3% of the variance in risky behaviors and 33.1% of the variance in basic psychological needs, demonstrating substantial explanatory capacity.

### Discussion and Conclusion

The findings support an integrated model in which adolescent risky behaviors are associated with both the quality of the family environment and adolescents' internal psychological experiences. The significant contribution of family functioning indicates that the broader organization and quality of family relationships are closely connected with adolescent behavioral adjustment. Families characterized by effective problem solving, appropriate roles, emotional responsiveness, and coherent behavioral regulation may provide adolescents with greater stability and resources for coping with developmental demands. Conversely, dysfunctional family processes may contribute to emotional strain and reduce adolescents' access to adaptive forms of support.

Family communication patterns emerged as particularly important. Conversation orientation was associated with lower risky behavior both directly and indirectly, whereas conformity orientation was associated with higher risky behavior. Open communication may enable adolescents to discuss concerns, negotiate disagreements, seek guidance, and experience acceptance within the family. This may reduce the need to seek validation or emotional release through dangerous or maladaptive behaviors. In contrast, strongly conformity-

oriented environments may restrict self-expression and perceived autonomy, potentially intensifying the developmental tension between parental control and adolescents' growing need for independence.

Parent-adolescent conflict also showed a substantial positive association with risky behavior. Persistent conflict may weaken emotional security and family connectedness, increase stress, and encourage adolescents to use maladaptive strategies to express autonomy or manage negative emotions. Importantly, conflict also reduced the satisfaction of basic psychological needs, suggesting that its influence is not limited to overt behavioral interactions. Repeated conflict may undermine adolescents' sense of competence, belonging, and appropriate autonomy, thereby increasing vulnerability to problematic behavior.

The mediating role of basic psychological needs constitutes a central contribution of the study. The strong negative association between need satisfaction and risky behavior indicates that adolescents who experience greater autonomy, competence, and relatedness may be less likely to engage in dangerous behaviors. Family communication and conflict appear to influence behavioral outcomes partly because they shape these internal psychological experiences. Open, respectful communication may enhance a sense of relatedness and autonomy, whereas excessive conformity and conflict may frustrate these needs.

Overall, the model accounted for approximately half of the variance in risky behaviors, indicating that family functioning, communication patterns, parent-adolescent conflict, and basic psychological needs together represent a meaningful explanatory framework for Iraqi adolescents. The findings suggest that adolescent risky behavior should not be viewed merely as an individual behavioral problem. Rather, it should be understood within the interconnected contexts of family functioning, interpersonal communication, family conflict, and psychological need satisfaction. Preventive and therapeutic approaches may therefore be more effective when they simultaneously strengthen family functioning, promote constructive parent-adolescent communication, reduce chronic conflict, and support adolescents' needs for autonomy, competence, and relatedness.

## References

- Abbasi-Rad, R., Rostami, F., Fasihi, S., Sarhangi, A., Ahmad Boukani, M., & Soleiman, S. (2024). The Relationship between Family Communication Patterns and Risky Behaviors in Adolescents: The Mediating Role of the Big Five Personality Traits. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(3), 61-78.
- Abebayehu, Y. (2025). Digital Risks and Family Dynamics: Adolescents' Perceptions of How Communication Styles Shape Risky Social Media Behavior.
- Aroj, M., Hassan, S., & Ali, F. (2025). The Impact of Family Functioning and Moral Disengagement on Risk Behavior among Methamphetamine (ICE) Addicts. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 58, 102-115.
- Britton, P. C., Van Orden, K. A., Hirsch, J. K., & Williams, G. C. (2014). Basic Psychological Needs, Suicidal Ideation, and Risk for Suicidal Behavior in Young Adults. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 44(4), 362-371. <https://doi.org/10.1111/sltb.12073>
- Enayati, M., Khanzadeh, M., Raeisi, Z., & Dehghani, A. (2025). The Mediating Role of Authoritative Parenting Style in Predicting Risky Behaviors Based on the Dark Triad of Personality with the Mediation of Distress Tolerance in Adolescents. *Journal of Psychological Science*, 24(151), 223-244.
- Faghfouriazar, M. (2023). The Effectiveness of Selected Perceptual-Motor Exercises on Working Memory and Quality of Life of Elderly Women. *Aging Psychology*, 9(3), 310-293. <https://doi.org/10.22126/jap.2023.9426.1719>
- Junaid, S., Batool, S. S., Nazir, R., & Nayyar, A. (2025). Relationship Between Peer Pressure and Risk Taking Behavior Among Adolescents: Moderating Role of Family Functioning. *Res. J. Social Affairs*, 3(1), 121-128. <https://doi.org/10.71317/rjsa.003.01.0056>
- Lackey, J. F., & Bursik, K. (2006). Family Cohesion and Adolescent Risk Behavior. *Journal of Family Issues*, 27(8), 1065-1084.
- Li, P., & Ma, J. (2025). The Influence of Parent-Child Relationship on Prosocial Risk-Taking Behavior in Adolescents: Understanding the Chain Mediating Role of Perceived Social Support and Psychological Capital. *Journal of Educational Research and Policies*, 7(2), 41-45. [https://doi.org/10.53469/jerp.2025.07\(02\).08](https://doi.org/10.53469/jerp.2025.07(02).08)
- Majnounpour, M., & Javadi, S. (2024). Behavioral-Functional Damages and Risky Behaviors of Adolescents Resulting from Parental Divorce: Challenges and Solutions. Proceedings of the Sixth International Conference on Management, Psychology, and Social Sciences,

- Mohammadi-Hosseini-Asl, F., Sakin-Azari, R., Abdol-Tajdini, P., & Aghdasi, A. N. (2013). Predicting risky behaviors based on satisfaction of basic psychological needs, cognitive emotion regulation and attachment styles with the mediation of mental vitality in adolescent girls. *Journal of Psychology and Psychiatry*, 9(2), 117-130. <https://doi.org/10.32598/shenakht.9.2.117>
- Mohammadi-Hosseini-Asl, F., Sakin-Azari, R., Abdol Tajadini, P., & Aghdasi, A. (2022). Predicting risky behaviors based on the satisfaction of psychological basic needs, cognitive emotional regulation, and attachment styles with the mediating role of mental vitality in female adolescents. *Journal of Cognitive Psychology and Psychiatry*, 9(2), 117-130. <https://doi.org/10.32598/shenakht.9.2.117>
- Motavalli, R., Shayeghi, H., Mousazadeh, T., Apay, S. E., & Aktaş, E. O. (2025). The Impact of the Dark Triad Personalities and Parental Interaction Patterns in Predicting the Tendency Toward Risky Behaviors Among Adolescent Girls in Ardabil, Iran in 2024. *BMC psychology*, 13(1). <https://doi.org/10.1186/s40359-024-02199-2>
- Ortega, D., Salazar, M., & Velez, R. (2026). Family Emotional Climate as a Moderator of Neurocognitive Vulnerability to Risk Behaviors in Teenagers. *Journal of Child and Family Studies*, 35(2), 410-423.
- Salek Foroutan, F., & Mikaeili, N. (2024). A Review of the Role of Family in Reducing High-Risk Behaviors among Children and Adolescents. *Journal of Family and Research*, 21(1), 7-26.
- Sarvari, M., Bayat, A., & Hosseinzadeh, A. (2023). The Relationship between Risky Behaviors and Family Communication Patterns in Adolescents: The Mediating Role of Emotional Security. *Journal of Family Research*, 19(3), 533-550.
- Shariatmadar, A., Jalali Najafabadi, F., Kiaei, T., & Soltani Sharifabadi, Z. (2025). Perceptions of adolescent girls with high-risk behavior about characteristics of the parent-child relationship: A qualitative study. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 14(9), 51-62.
- Singh, P. (2024). Perceived parenting practices and Health-risk behaviours among Indian adolescents: the mediating role of Emotion-regulation difficulties. *Journal of Child and Family Studies*, 33(12), 3796-3812. <https://doi.org/10.1007/s10826-024-02950-8>
- Wang, N., Liu, Y., Dang, R., Liu, S., & Shi, Y. (2026). The Impact of Parental Absence on Adolescents' Health Risk Behaviors: Evidence from the China Education Panel Survey. *Emerging Markets Finance and Trade*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/1540496X.2026.2630740>
- Yaghoubzadeh, M., Sharifi, J., Kazemi, H., & Haghyegh, S. A. (2022). A Structural Model of Basic Psychological Needs and HEXACO Personality Traits in Relation to Risky Behaviors: The Mediating Role of Emotional Creativity among Islamic Azad University Students in Isfahan Province. *Social Health*, 9(2), 77-91.
- Yousefi, A. (2025). Investigating the Role of Family Cohesion, Social Self-Efficacy and Adjustment in Predicting High-Risk Behaviors in Adolescents in Kamiyaran City. *Journal of Emergency Health Care*, 14(1), 3. <https://intjmi.com/article-1-1246-fa.pdf>
- Zhang, X., Huang, X., Chen, Q., Song, Y., Jiang, X., Zhou, J., Zhao, X., & Zhao, L. (2024). Analysis of deviant behaviors and family functions in the population at risk of internet addiction among primary and secondary school students in Chengdu city, Sichuan province of China. *Frontiers in Public Health*, 12, 1498466. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2024.1498466>